

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان/سال ششم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۷/صفحات ۱۳۱-۱۴۷
هدفمندسازی یارانه‌ها و ترکیب محصولات کشاورزی در سبد خانوارهای ایرانی

یونس گلی^{۱*}، محمدرضا منیری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

چکیده

یکی از اهداف اصلی هدفمندسازی یارانه‌ها افزایش رفاه و کاهش نابرابری در جامعه بوده است. مطالعه‌ی حاضر با تمرکز بر داده‌های هزینه-درآمد خانوارها در دوره‌ی زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳، به بررسی اثر هدفمندی یارانه‌ها بر ترکیب اقلام کشاورزی در سبد خانوارها به عنوان مقیاسی کیفی جهت سنجش تغییرات رفاهی و معیشتی خانوارها با استفاده از تکنیک رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب از طریق روش FGLS پرداخته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که پس از اجرای هدفمندی یارانه‌ها، سهم غلات از کل محصولات کشاورزی موجود در سبد خانوارها، بیش از سایر اقلام افزایش یافته و سهم لبنیات کمترین افزایش را داشته است. برآوردها نشان می‌دهند که افزایش در درآمد واقعی خانوار و شاغل بودن سرپرست خانوار بیشترین اثر را در افزایش سهم گوشت از محصولات کشاورزی سبد خانوار دارد. لذا می‌توان گفت بر اساس نظریه‌ی انگل، سیاست هدفمندی یارانه‌ها بر خلاف هدف سیاست‌گذار، منجر به بهبود وضعیت معیشتی خانوار نشده است.

طبقه‌بندی JEL: D11, D12, D040

واژه‌های کلیدی: هدفمندی یارانه‌ها، مصرف خانوار، رگرسیون به ظاهر نامرتب، حداقل مربعات تعمیم یافته‌ی عملی.

Email: younes.goli67@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

Email: moniri.mohamadreza@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه رازی

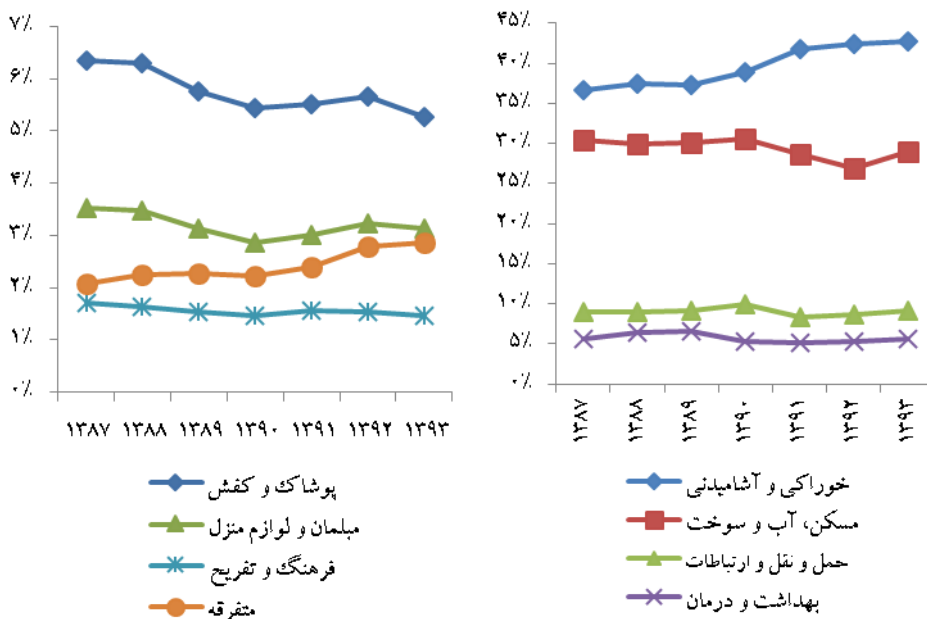
مقدمه

یکی از اصول اساسی برای قانون هدفمندی یارانه‌ها افزایش سهم فقرا از کل یارانه پرداختی دولت برای تمام انواع کالاها بوده است. حامل‌های انرژی یکی از موارد مصرف یارانه‌ها در سال‌های اخیر بوده است که در بسیاری از موارد تنها اقشار پردرآمد امکان استفاده از آن را داشته‌اند، بنابراین یکی از اهداف اصلی برای قانون هدفمندی یارانه‌ها بهبود رفاه خانوارها فقیر بوده است، طوری که بتوانند حداقل نیازهای اساسی خود را تأمین نمایند. لکن بررسی الگوی مصرفی خانوارها قبل و بعد از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در مورد کالاهای مختلف بخش کشاورزی و سهم هریک در میزان مخارج خوراکی خانوارها مهم و دارای ارزش است. یکی از پیش‌نیازهای اصلی هر اقتصادی برای توسعه اقتصادی، تغذیه سالم است، بنابراین هر چه تنوع رژیم غذایی افزایش یابد، انتظار بر این است که افراد سالم‌تر و دارای بهره‌وری بالاتر در اقتصاد باشند. امروزه هر گونه سیاستی برای حمایت گروه‌های مختلف، نیازمند شناخت جایگاه هر گروه کالایی در بودجه خانوار است، استقلال اقتصادی جامعه نیز نیازمند برآورد نیازهای اساسی خانوارها و در نتیجه جامعه است. یکی از نیازهای اساسی خانوارها، مواد غذایی است که توسط بخش کشاورزی تولید می‌شود. کشورها معمولاً در معرض شوک‌های طبیعی از قبیل خشکسالی و شوک‌های خارجی از قبیل تحریم قرار دارند، بنابراین ارائه‌ی سیاست‌های بهینه در جهت پاسخگویی مناسب به شوک‌های طبیعی و خارجی، نیازمند شناخت دقیق الگوی مصرفی خانوارها در مورد کالاهای کشاورزی است. شواهد موجود در اقتصاد ایران نشان دهنده‌ی سهم بالای کالاهای خوراکی و مسکن در بودجه‌ی خانوارها است. این امر بیان‌گر آن است که از آنجا که تولیدات بخش کشاورزی بیشترین سهم را در سبذ مصرفی خانوارها دارد، عملکرد نامناسب بخش کشاورزی منجر به آسیب‌پذیری اقتصاد می‌شود، در واقع عملکرد نامناسب بخش کشاورزی منجر به افزایش فقر غذایی می‌شود. سیاست قانون هدفمندی یارانه‌ها که در طی سال‌های اخیر اجرا شده است، هدفی را در جهت کاهش فقر و نابرابری دنبال کرده است، اما بررسی پیامد واقعی چنین سیاستی در جهت اصلاح یا ارائه سیاست جدید برای کاهش فقر غذایی مهم و دارای ارزش است.

نمودار (۱) نشان می‌دهد که در طول دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ میزان مخارج صرف شده بر مواد خوراکی و آشامیدنی بیش از سایر گروه کالاها می‌باشد، به طوری که سهم مواد خوراکی در سبذ مصرفی خانوارها از ۳۷/۳ درصد در سال ۱۳۸۸ به ۴۲/۷ درصد در پایان سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است، این در حالی است که در کشورهای اندونزی و کانادا سهم مواد خوراکی، آشامیدنی و دخانی به ترتیب برابر ۴۷/۷ درصد و ۱۲/۲ درصد است، و سهم تفریحات، سرگرمی و خدمات فرهنگی در کشورهای انگلیس و اندونزی برابر با ۱۴ درصد و ۱/۴ درصد است^۱، بنابراین آمارها به خوبی نشان می‌دهند که هر چه فقر در جامعه‌ای افزایش یابد، سهم مخارج خوراک در سبذ خانوارها افزایش می‌یابد. لذا هدفمندی یارانه‌ها به دلیل نوع

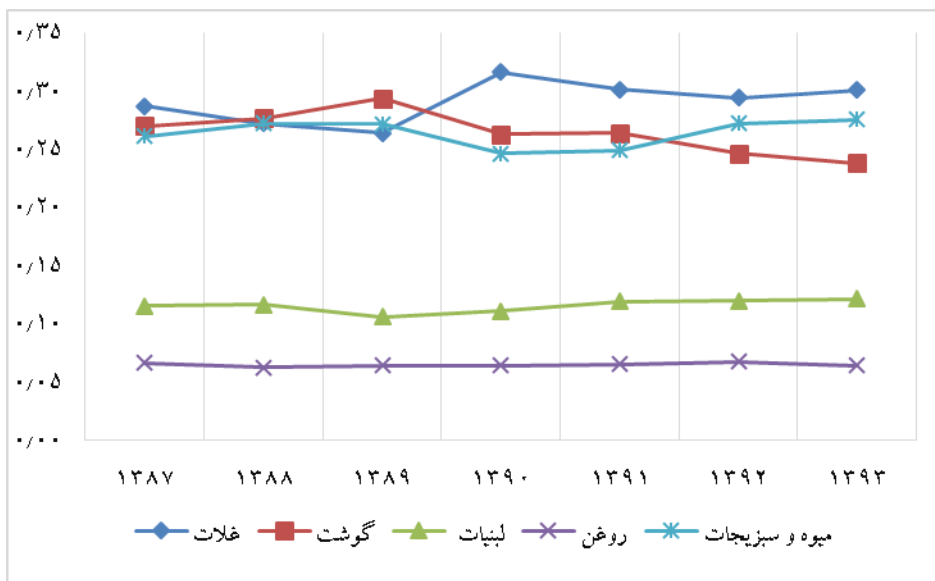
اجراء در عمل منتج به بهبود وضعیت معیشتی خانوارهای ایرانی از بعد کیفیت سبد هزینه‌ای آنان نگردیده است.

براساس نمودار (۱)، یکی از دلایل اصلی برای افزایش سهم مواد خوراکی از بودجه خانوارها، سیاست هدفمندی یارانه‌ها و به تبع افزایش تورم در اقتصاد بوده است، طوری که قدرت خرید خانوارها در طول سال‌ها روبه کاهش بوده است و افراد برای تأمین حداقل معاش خود بیشتر به نیازهای اساسی از قبیل خوراک روی آورده‌اند. معمولاً الگوی مصرفی جوامع فقیر و دارای فقر به سمت مصرف کالاهای خوراکی است. اما در جوامع توسعه یافته و دارای رفاه بالا الگوی مصرفی خانوارها بیشتر به کالاهای لوکس از قبیل تفریح تمایل دارد. بر اساس نظریه انگل هر چه سهم مخارج کالاهای ضروری خانوارها افزایش یابد، رفاه آنها کاهش می‌یابد. بنابراین شواهد موجود نشان می‌دهد، که بعد از اجرای یارانه‌ها در ایران رفاه خانوارها کاهش یافته است.



نمودار (۱): تغییرات سهم گروه‌های کالایی از کل مخارج خانوار

نمودار (۲) بیانگر آن است که در میان محصولات کشاورزی و مجازی، سهم گروه کالایی غلات، گوشت و میوه و سبزیجات بالاتر از گروه لبنیات می‌باشد. در واقع تنوع زیاد محصولات و گستردگی وسیع این گروه از محصولات کشاورزی، باعث گردیده است تا سهم آنها از مخارج خوراکی خانوارها بیش از سهم سایر محصولات کشاورزی از مخارج خوراکی خانوارها باشد.



نمودار (۲): سهم محصولات کشاورزی و مجازی از کل مخارج خوراک خانوارها

نمودارهای (۱) و (۲) روند تغییرات در وضعیت رفاهی خانوارها را با توجه به تغییرات رفتار مصرفی آنها نمایش می‌دهند. براساس اصول اقتصاد خرد، هر چه کالا ضروری تر باشد، کشش درآمدی کمتری دارد. چرا که هر چه سطح درآمد افزایش یابد، مخارج بر روی گروه خوراک به عنوان کالای ضروری کمتر افزایش می‌یابد. چون خانوارها در مورد خوراک دارای آستانه مصرف هستند و بعد رسیدن به آستانه مصرف، مخارج خود را به سمت سایر گروه‌های کالایی سوق می‌دهند. در نمودار (۱) مشاهده می‌شود که از سال ۱۳۸۹ به دنبال اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تا سال ۱۳۹۲ سهم گروه خوراک که دارای کم‌ترین کشش درآمدی در میان سایر گروه‌ها می‌باشد از کل مخارج خانوار همواره افزایش یافته است، علاوه بر این در گروه خوراک نیز ملاحظه می‌شود که در این دوره سهم غلات که دارای کم‌ترین کشش درآمدی نسبت به سایر محصولات خوراکی است، افزایش یافته و در عوض سهم گوشت که در این گروه در زمره کالاهای لوکس جای می‌گیرد، با کاهش مواجه گردیده است. جدول (۱) سهم محصولات مختلف کشاورزی را از کل مخارج خوراکی خانوارهای شهری و روستایی نشان می‌دهد، سهم غلات در خانوارهای روستایی در سال ۱۳۸۸ برابر با ۲۷ درصد و در سال ۱۳۹۳ به ۳۱ درصد افزایش یافته است، اما سهم گوشت در سبب خانوارها به طور معناداری کاهش یافته است. علاوه بر این در مناطق شهری سهم میوه و سبزیجات در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۳ برابر با ۲۸ درصد است و سهم غلات از ۲۴ درصد در سال ۱۳۸۸ به ۲۸ درصد در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است. نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که کیفیت سبب مصرفی خانوارهای روستایی و شهری از منظر اقتصاد رفاه بعد از اجرای هدفمندی یارانه‌ها با افت مواجه شده است.

جدول (۱): سهم خوراک در خانوارهای شهری و روستایی (درصد)

مناطق روستایی		مناطق شهری		
۱۳۹۳	۱۳۸۸	۱۳۹۳	۱۳۸۸	سال
۳۱	۲۷	۲۸	۲۴	غلات
۲۲	۲۵	۲۳	۲۷	گوشت
۱۲	۱۳	۱۲	۱۲	لبنیات
۷/۳	۷/۵	۶	۷	روغن
۲۶	۲۵	۲۸	۲۸	میوه و سبزیجات

منبع: محاسبات تحقیق بر اساس داده‌های بودجه‌ی خانوار مرکز آمار ایران

۱- پیشینه تحقیق

رضایی قهرودی و باغ فلکی (۱۳۹۲) طی مطالعه‌ای به بررسی تاثیر هدفمندکردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها می‌پردازند، نتایج آنها نشان می‌دهد که در دوره‌ی مورد بررسی، سهم هزینه‌های مختلف در دهک‌های بالا، کاهش و سهم انواع هزینه‌ها در دهک‌های پایین، افزایش یافته و بنابراین به این نتیجه رسیده‌اند که فاصله‌ی طبقاتی کاهش پیدا کرده است. آنان همچنین نشان داده‌اند که در دوره‌ی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰، این کاهش فاصله‌ی طبقاتی در دهک‌های پایین در مورد برخی کالاها مانند غلات، نان و گوشت قرمز در نقاط روستایی، روغن و چربی، آب، انتقالات، کفش و پوشاک، حمل و نقل قابل توجه ولی در مورد برخی اقلام مانند شیر و فرآورده‌های آن، مواد دخانی، مسکن، میوه و خشکبار و ارتباطات دارای تفاوت فاحشی نبوده است. اعظمی و دیگران (۱۳۹۲) با بهره‌گیری از نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین خانوارهای مشهدی با ۱۰۰ پرسشنامه در سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهند که تاثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر مصرف لبنیات اندک بوده است. اسلامی و دیگران (۱۳۹۰) با استفاده مدل تصحیح خطای برداری^۱ (VECM) و داده‌های دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۷۳ نشان می‌دهند که کاهش یارانه‌های پرداختی باعث کاهش مصرف گوشت می‌شود. خرمی مقدم و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با استفاده از سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل درجه دو و داده‌های درآمد هزینه خانوار سال ۱۳۸۶ نشان می‌دهند که متوسط مخارج سرانه گروه کالایی مشمول یارانه در گروه درآمدی بالا بیشتر از گروه درآمدی پایین است و اختلاف بین مخارج سرانه گروه بالا و پایین درآمدی در جامعه شهری بیشتر از روستایی است، همچنین در گروه بالای درآمدی شهری و روستایی بیشترین سهم را در مخارج خوراکی، برنج به خود اختصاص داده است و با حرکت به سمت گروه‌های درآمدی پایین‌تر، سهم برنج کاهش و به سهم نان افزوده می‌شود. خسروی‌نژاد (۱۳۸۸) با استفاده از داده‌های خام بودجه‌ی خانوارهای شهری ایران طی دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۱ در قالب سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل نشان می‌دهند که اثرات افزایش قیمت نان برای طبقات اول تا سوم بیش از اثرات افزایش قیمت قند و شکر و روغن و از سوی دیگر اثرات افزایش قیمت روغن نباتی برای طبقات چهارم و پنجم بیشتر از اثرات افزایش قیمت نان و قند و شکر بوده است. حسینی‌پور و همکاران (۱۳۸۸) با به کارگیری سیستم تقاضای روتردام نشان می‌دهند که سهم گوشت قرمز از بودجه

^۱ Vector Error Correction Model

خانوار از سهم سایر انواع گوشت بیشتر است، اما این سهم طی زمان در حال کاهش است. احمدی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های ایران برای دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ و سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل نشان می‌دهند که با تغییر قیمت حامل‌ها باید سیاست حمایتی مکمل برای جبران کاهش رفاه به کار برد. سهیلی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای برای ۸ گروه کالایی اصلی مصرفی خانوار به روش FGLS نشان می‌دهند که با ارائه یارانه نقدی به خانوارها، سهم مخارج ضروری‌تر در سبد مصرفی خانوارها افزایش یافته و بنابراین رفاه آنها براساس نظریه انگل کاهش یافته است.

فرد و والیج^۱ (۱۹۹۷) منافع و زیان‌های افزایش قیمت انرژی را بر خانوارهای لهستانی بررسی کرده و نشان داده‌اند که در مجموع، خانوارهای پردرآمد، رفاه بیشتری از دست می‌دهند. با فرض اینکه کشش تقاضا صفر باشد، رفاه خانوارهای فقیر، ۵/۹ درصد کاهش می‌یابد. در صورتی که ثروتمندترین خانوارها با ۸/۲ درصد کاهش مواجه هستند. کوریم^۲ (۲۰۱۳) با بررسی تاثیر یارانه کالایی در مقابل یارانه‌های نقدی بر روی وضعیت فقر در مصر، بر اساس داده‌های رسمی و میدانی هفت استان این کشور با بیشترین نرخ فقر به این نتیجه دست می‌یابد که با وجود نرخ تورم بالا در این کشور، با پرداخت یارانه نقدی به دلیل افزایش قیمت در بازار، قدرت خرید کاهش می‌یابد و بنابراین یارانه کالایی به یارانه نقدی ترجیح داده می‌شود. وود و همکاران^۳ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به ارزیابی اثرات رفاهی افزایش قیمت مواد غذایی در مکزیک پرداختند، نتیجه مطالعه آنها نشان می‌دهد که از آنجا که کاهش درآمد خانوارهای شهری در مقایسه با خانوارهای روستایی در اثر افزایش قیمت این مواد غذایی بیشتر است، بنابراین رفاه خانوارهای شهری در مقایسه با خانوارهای روستایی بیشتر کاهش یافته‌است. فرج‌زاده و بخشوده (۲۰۱۵) با استفاده از روش تعادل عمومی قابل محاسبه نشان می‌دهند که حذف یارانه و تخصیص آن به خانوارها باعث کاهش تولید ناخالص داخلی و افزایش شاخص قیمت‌ها می‌شود. مشیری (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای برای خانوارهای ایران در دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ نشان می‌دهد که اصلاح حامل‌های انرژی، مصرف انرژی را کاهش می‌دهد و این عکس‌العمل برای خانوارهای شهری بیشتر است. غریب نواز و واسچیک^۴ (۲۰۱۵) نشان می‌دهند که اصلاح یارانه‌های غذا و انرژی باعث افزایش رفاه کل خانوارها به اندازه ۴۵ درصد و افزایش رفاه خانوارهای فقیر بالغ بر ۱۰۰ درصد می‌شود. این فرایند همچنین باعث افزایش درآمد دولت به اندازه ۳۰ درصد می‌شود.

مطالعه حاضر از چند نظر دارای نوآوری است، اثر گذاری یارانه‌ها باید در سطح خرد خانوار مورد بررسی قرار گیرد، چرا که ممکن است نتایج در سطح کلان با نتایج در مورد خانوارها تفاوت فاحشی داشته باشد، به همین دلیل مطالعه حاضر از داده‌های در سطح خرد استفاده می‌کند. همچنین مطالعه حاضر از روشی متناسب با داده‌ها و مبانی نظری متناسب با جبران درآمد خانوارها استفاده شده است. به این سوال پاسخ

^۱ Freund and Wallich

^۲ Korayem. K

^۳ Wood et al

^۴ Gharibnavaz, M.R and Waschik

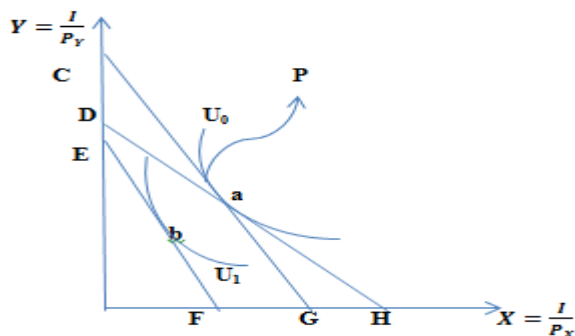
می‌دهد که آیا هدفمندسازی یارانه‌ها در راستای فلسفه و اجرای هدفمندسازی بوده است یا نه، و بررسی علمی چنین سوالی یکی از اهداف اصلی برای مطالعه حاضر بوده است.

۲- مبانی نظری

الگوی مصرف خوراکی خانوارها نشان دهنده سطح رفاه خانوارها است، خانوارها با توجه به بودجه محدود خود ابتدا به برآورد نیازهای اساسی می‌پردازند، نیازهایی که بیشترین مطلوبیت را برای آنها به دنبال دارد. مصرف خانوارها تحت تاثیر دو عامل قیمت و درآمد قرار دارد، هر چه درآمد خانوارها افزایش یابد، مصرف خانوارها افزایش و استفاده از کالاهای لوکس افزایش می‌یابد، بنابراین سهم نیازهای اساسی کاهش می‌یابد، اما با ثابت بودن سایر شرایط هر چه قیمت‌ها در اقتصاد افزایش یابد، تمرکز خانوارها به خصوص خانوارهای کم‌درآمد در جهت برآورد نیازهای اساسی افزایش می‌یابد. زیرا که در خانوارهای کم‌درآمد بخش اعظم درآمد صرف برطرف کردن نیازهای اساسی می‌شود و بنابراین کاهش قدرت خرید این خانوارها با افزایش سطح قیمت‌ها، مخارج مصرفی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. درحالی‌که در خانوارهای پردرآمد که بخش اعظم درآمد، پس انداز می‌شود، با افزایش سطح قیمت‌ها، تنها پس انداز که بخش مازاد بر مصرف است، تحت تاثیر قرار می‌گیرد. هر گونه سیاست حمایتی در جهت کاهش فقر دارای اثراتی است که ممکن است در عمل منجر به نتایج معکوسی شود، سیاست هدفمندی یارانه‌ها دارای دو اثر هم جهت می‌باشد، اثر اول به این صورت است که آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی به دلیل افزایش هزینه تولید منجر به افزایش تورم می‌شود. چرا که توزیع یارانه‌ها در بخش تولید و مصرف به طور ناعادلانه بوده است. براساس تئوری‌های اقتصادی افزایش در درآمد خانوارهای ثروتمند دارای اثرگذاری کمتری بر تورم نسبت به حالتی است که درآمد خانوارهای فقیر افزایش می‌یابد، بنابراین با توجه به اینکه در سیاست هدفمندی یارانه‌ها درآمد در خانوارهای فقیر به طور نسبی بیشتر افزایش یافته است (به دلیل اینکه درآمد موقتی حاصله از یارانه‌های نقدی پرداخت شده به خانوارها بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمد خانوارهای کم‌درآمد را تشکیل می‌دهد) لذا تورم از این ناحیه نیز افزایش یافته است. به طور کلی سیاست هدفمندی یارانه‌ها از یک طرف درآمد خانوارها را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر تورم در اقتصاد را افزایش می‌دهد بنابراین تغییرات در قدرت خرید به برآورد دو اثر مذکور بستگی دارد.

قانون هدفمندی یارانه‌ها براساس اصول اقتصاد خرد و جبران اسلاتسکی اجرایی گردید، قبل از هدفمندی یارانه‌ها، نظام پرداخت یارانه‌ها به دلیل ساز و کار غیر مستقیم آن، بیشتر در جهتی بود که خانوارهای فقیر توان و امکان استفاده از آن را نداشتند. بر همین اساس در جهت برخورداری خانوارهای فقیر از یارانه‌ها، قانون هدفمندی یارانه‌ها اجرا شد. برای تحلیل قانون هدفمندی یارانه‌ها براساس نمودار (۳) فرض شده است که کالای X حامل‌های انرژی است و Y کالاهای غیر از حامل‌های انرژی است. همچنین با هدفمندسازی یارانه‌ها، قیمت کالای Y به طور نسبی کمتر از قیمت کالای X افزایش می‌یابد، این مورد منجر به انتقال ناموازی خط بودجه از DH به EF می‌شود، زیرا درآمد (I) ثابت است و مقدار کاهش $X = \frac{I}{P_X}$ به دلیل افزایش قیمت X بیش از مقدار کاهش $Y = \frac{I}{P_Y}$ به دلیل افزایش قیمت Y است. با تغییرات در قیمت دو کالا، نقطه بهینه مصرف کنندگان از a به b انتقال می‌یابد. با تغییر در

قیمت کالاها، رفاه مصرف کنندگان از U_0 به U_1 کاهش می‌یابد. در این مرحله، سیاست‌گذار بر اساس جبران اسلاتسکی طوری مصرف کنندگان را جبران می‌کند که رفاه آنها همانند قبل از افزایش قیمت و برابر با U_0 باشد، بنابراین خط بودجه با جبران مصرف کنندگان به وسیله یارانه از خط EF به CG به طور موازی انتقال می‌یابد، و سطح رفاه مصرف کنندگان به U_0 افزایش می‌یابد. بنابراین با اجرای هدفمندی یارانه‌ها، رفاه مصرف کنندگان ثابت، ولی قیمت‌های نسبی تغییر نموده است. اما بر روی مطلوبیت ثابت U_0 بعد از جبران ممکن است مصرف کنندگان به دلیل افزایش بیشتر قیمت کالای X مصرف کالای X را کاهش دهند. در این راستا سیاستی بهینه است که بعد از جبران، مصرف حامل‌های انرژی (X) را کاهش دهد و رفاه را در سطح ثابتی قرار دهد طوری که نقطه تعادل مصرف کنندگان را به نقطه P انتقال دهد. به طور کلی اگر مصرف کنندگان بعد از جبران درآمد در سمت راست نقطه a و بر روی مطلوبیت U_0 قرار گیرند، سیاست هدفمندی دارای اشکال است، چرا که مصرف حامل‌ها نسبت به قبل از هدفمندی افزایش یافته است. اما اگر نقطه تعادل مصرف کننده بعد از جبران در سمت چپ a و بر روی U_0 قرار گیرد، سیاست هدفمندی، سیاستی مؤثر در جهت کاهش مصرف حامل‌های انرژی بوده است.



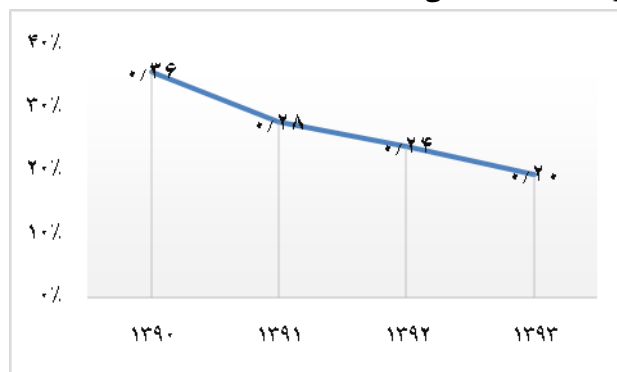
نمودار (۳): جبران اسلاتسکی

۳- داده‌ها و روش تحقیق

یکی از منابع آماری که به طور سالانه وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانوار را گزارش می‌دهد، مرکز آمار است. طرح درآمد- هزینه ی خانوار، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای کشور را گزارش می‌کند. گزارش ویژگی اقتصادی و اجتماعی خانوار از چهار قسمت به شرح زیر تشکیل شده است. در قسمت اول، نتایج حاصل از خصوصیات اجتماعی خانوارهای جامعه آماری (تحت پرسش واقع شده) گزارش شده است، در این قسمت گزارش، اطلاعات تکمیلی مربوط به ویژگی‌های جمعیتی خانوار شامل سن، جنس، بستگی با سرپرست خانوار، وضعیت سواد، مدرک تحصیلی، فعالیت فرد در مورد شاغل بودن یا بیکار بودن، وضعیت ازدواج و غیره ارائه می‌شود.

در قسمت سوم گزارش، انواع هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی به طور کامل گزارش می‌شود. قسمت چهارم درآمدهای خانوار در سه بخش درآمد حاصل از مشاغل مزد و حقوق بگیر برای کل اعضای

شاغل خانوار، درآمد حاصل از مشاغل غیرمزد و حقوق بگیر (آزاد) و در بخش درآمد متفرقه خانوار از قبیل یارانه، حقوق بازنشستگی و غیره گزارش شده است، از سال ۱۳۹۰ به دلیل ارائه ی یارانه ی نقدی به اکثر خانوارها، سوال میزان یارانه‌ی نقدی دریافت شده توسط خانوار به سوالات این قسمت اضافه شده است. بنابراین داده‌های حاصل بودجه خانوار در سطح خرد کامل‌ترین منبع آماری برای مطالعه حاضر است. از آنجایی که مطالعه‌ی حاضر قصد دارد ترکیب هزینه‌ای خانوارها پس از هدفمندسازی یارانه‌ها را مورد بررسی قرار دهد، لذا کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری و روستایی به پنج گروه تقسیم شده‌اند. بنابراین متغیرهای اصلی این مطالعه شامل مخارج مصرفی متوسط ماهانه‌ی خانوارهای شهری و روستایی کشور بر روی پنج گروه کالایی نان و غلات، گوشت، لبنیات، روغن و چربی‌ها و میوه‌ها و سبزیجات برای دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ می‌باشد.



نمودار (۴): سهم متوسط یارانه‌ی نقدی دریافتی از کل مخارج ماهانه خانوار

نمودار (۴) نشان می‌دهد که سهم یارانه ماهانه خانوار از کل مخارج ماهانه خانوار روندی کاهشی داشته است. طوری که در سال ۱۳۹۰ این سهم برابر با ۳۶ درصد و در سال ۱۳۹۳ برابر با ۲۰ درصد است. بنابراین قدرت خرید یارانه برای هر خانوار کاهش یافته است. شاخص‌های قیمت در سال ۱۳۸۸ برابر با ۶۶/۱۲ به قیمت سال پایه ۹۰ است اما این شاخص در سال ۱۳۹۳ برابر با ۲۰۳/۲۴ است، بنابراین شاخص قیمت‌ها در سالهای اخیر روندی صعودی داشته است. ولی مقدار یارانه ارائه شده به هر خانوار در طول دوره ثابت بوده است. بنابراین ارزش واقعی یارانه‌ی نقدی پرداخت شده به خانوارها کاهش یافته است. جدول (۲)، ویژگی داده‌های مورد استفاده را نشان می‌دهد، سطح درآمد واقعی خانوارها به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ از مقدار ۱۰/۸ میلیون ریال در سال ۱۳۸۸ به مقدار ۸ میلیون ریال در سال ۱۳۹۳ کاهش یافته است، یکی از علل اصلی برای کاهش درآمد واقعی خانوارها افزایش سریعتر شاخص قیمت‌ها در مقابل افزایش سطح درآمد خانوار است. با توجه به اینکه بعد خانوارها در حال کاهش است، بنابراین یارانه دریافتی نیز کاهش می‌یابد، اما میزان مخارج خوراکی خانوارها به دلیل افزایش سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد.

جدول (۲): ویژگیهای خانوارهای مورد مطالعه

۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸
------	------	------	------	------	------

۳۲۶۵۵	۳۱۹۵۷	۳۲۱۸۶	۳۲۳۹۶	۲۹۰۷۹	۳۱۱۳۸	تعداد خانوارها
۴۹/۲۸	۴۷/۹۷	۵۰/۵۱	۴۹/۶۵	۴۷/۹۶	۴۸/۰۷	سن سرپرست خانوارها
۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۴۹	۰/۴۹	۰/۵۲	۰/۵۰	مناطق شهری
۰/۸۷	۰/۸۸	۰/۸۶	۰/۸۷	۰/۸۸	۰/۸۸	با همسرزندگی کردن
۳/۷۳	۳/۷۵	۳/۹۰	۳/۹۹	۴/۲	۴/۲۲	بعد خانوار(نفر)
۵/۸۷	۵/۶۳	۵/۵	۵/۵۶	۵/۴۳	۵/۶۱	تحصیلات سرپرست(سال)
۸۰۹۲	۸۴۷۴	۹۴۵۱	۱۰۱۸۲	۱۰۸۷۷	۱۰۸۸۰	درآمد واقعی(هزار ریال)
۴۰۹۸	۴۰۱۸	۳۲۳۶	۲۳۷۹	۱۶۲۴	۱۵۳۰/۷۸	مخارج خوراکی(هزار ریال)
۱۷۴۶	۱۸۴۳	۱۸۹۷	۱۹۵۵	-	-	یارانه نقدی (قیمت ثابت ۱۳۹۰)

منبع: محاسبات تحقیق بر اساس داده‌های بودجه‌ی خانوار مرکز آمار ایران

با توجه به اینکه در این مطالعه اثر متغیری مانند یارانه را بر میزان مصرف گروه کالاهای کشاورزی بررسی می‌شود. بنابراین از معادلات به ظاهر نامرتب استفاده می‌شود، متغیرهای وابسته در سیستم معادلات حاضر میزان مصرف از پنج گروه کالایی غلات، گوشت، روغن، لبنیات و میوه و سبزیجات است. برای تخمین معادلات سیستمی معمولاً چند روش مانند $2SLS^1$ ، $3SLS^2$ و SUR وجود دارد، اما از آنجایی که در این مطالعه متغیرهای موجود در سمت راست معادلات برون‌زا، لذا از روش SUR استفاده می‌شود، زیرا SUR تکنیک مفیدی برای مدل‌هایی که متغیرهای سمت راست درون‌زا دارند، نیست.

$$\begin{aligned}
 cons_{ij} = & \beta_0 + \beta_1 p_j + \beta_2 active_i + \beta_3 num_i + \beta_4 mari_i + \beta_5 yara_i \\
 & + \beta_6 gender_i + \beta_7 age_i + \beta_8 urban_i + \beta_9 age2_i + \beta_{10} sch_i \\
 & + \beta_{11} py_i + \beta_{12} pric_i + \varepsilon_i \quad j = 1,2,3,4,5
 \end{aligned}
 \tag{1}$$

در معادله (۱) $cons_{ij}$ میزان مصرف خانوار i از کالای j ام، p_j : شاخص قیمت گروه کالایی j ام برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، $active$: متغیر مجازی اشتغال سرپرست خانوار که در صورت شاغل بودن، برابر یک در غیر اینصورت برابر صفر است، num : بعد خانوار، $mari$: متغیر مجازی تأهل سرپرست خانوار که در صورت متأهل بودن، برابر یک، در غیر این صورت، برابر صفر است، $yara$: متغیر مجازی دریافت یارانه‌ی نقدی که برای سال‌های قبل از ۱۳۹۰، برابر صفر و برای سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳، برابر یک است (این متغیر در مدل دوم مورد استفاده، میزان یارانه‌ی دریافتی واقعی هر ماه خانوار به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ است) $rsubs$ ، $gender$: متغیر مجازی جنسیت سرپرست خانوار که در صورت مرد بودن، برابر یک در غیر اینصورت، صفر است، age : سن سرپرست خانوار، $age2$: مجذور سن سرپرست خانوار، $urban$: متغیر مجازی سکونت خانوار در شهر، به طوری که برای شهری بودن، برابر یک و برای غیرشهری، صفر است، sch : میزان تحصیلات سرپرست خانوار برحسب سال، py : درآمد خانوار برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ است، و $pric$ شاخص قیمت متناظر با هر گروه کالایی است. در نظر گرفتن سن و مربع سن سرپرست خانوار به عنوان متغیرهای توضیح دهنده الگوهای مصرف خانوار مدنظر است.

- 1 Two-Stage Least Squares
- 2 Three-Stage Least Squares

گروه کالایی شامل مصرف غلات، گوشت، لبنیات، روغن و میوه و سبزیجات است و بنابراین پنج معادله همزمان به دست می‌آید. در روش SUR متغیرهای وابسته تحت تاثیر دو جزء قرار دارند، جزء اول تغییرات معین را نشان می‌دهد که در این جزء وابستگی بین معادلات وجود ندارد، اما جزء دوم تغییرات تصادفی را نشان می‌دهد که ممکن است در بین معادلات مختلف همبسته باشد. در صورت مستقل بودن اجزاء تصادفی بین معادلات از روش OLS استفاده می‌شود، و در صورت وابسته بودن از روش GLS^۱ استفاده می‌شود. از آنجا که ماتریس واریانس-کوواریانس اجزاء خطا برای تخمین GLS نامعین است، از تخمین زن FGLS^۲ استفاده می‌شود. در این تخمین زن ابتدا با استفاده از روش حداقل مربعات پسماندها محاسبه شده و سپس ماتریس واریانس-کوواریانس آنها برای تخمین GLS مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۳

۴-برآورد مدل و تحلیل نتایج

با استفاده از داده‌های در دسترس از ویژگیهای اجتماعی-اقتصادی خانوارها در بازه زمانی سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ به بررسی اثر هدفمندی یارانه بر الگوی مصرف خوراکی خانوارها با استفاده از نرم افزار Stata و روش SUR پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است با توجه به اینکه داده‌های مورد استفاده به صورت پانل یا سری زمانی نیستند بنابراین نیازی به آزمون ریشه واحد نیست. چرا که یک خانوار برای دوره زمانی مطالعه به طور مکرر مورد پرسش قرار نمی‌گیرد، که ساختاری پانل را به خود بگیرد. ابتدا با استفاده از آزمون پروچ-پاگان به بررسی همبسته بودن یا مستقل بودن اجزاء اخلاص پرداخته شد، بعد از برآورد مدل با استفاده از روش OLS، مقدار آماره پروچ-پاگان برابر با ۷۱۶۲۵ با مقدار p-value صفر گردید و فرضیه صفر آزمون پروچ-پاگان رد شد، بنابراین اجزای خطای این پنج معادله دارای همبستگی همزمان هستند و به همین منظور جهت افزایش کارایی برآوردگرها به جای روش حداقل مربعات (OLS) از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. ولی نامشخص بودن ساختار ماتریس واریانس-کوواریانس پسماندها باعث گردید تا از روش حداقل مربعات تعمیم یافته امکان پذیر (FGLS) برای برآورد سیستم معادلات به ظاهر نامرتب (SUR) بهره برده شود، جدول (۳) برآورد مدل با استفاده از روش FGLS را نشان می‌دهد.

جدول (۳): برآورد مدل SUR از طریق روش FGLS

(با در نظر گرفتن وضعیت پرداخت یارانه نقدی به عنوان متغیر مجازی در دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۴)

نان و غلات	گوشت	لبنیات	روغن و چربیها	میوه و سبزیجات
------------	------	--------	---------------	----------------

^۱ Generalized Least Square

^۲ Breush & Pagan Test

^۳ Feasible Generalized Least Square

^۴ برای آگاهی از جزئیات تخمین معادلات به ظاهر نامرتب با استفاده از GLS به مقاله سهیلی و همکاران (۱۳۹۶)، اثر هدفمندسازی یارانه‌ها بر ترکیب هزینه‌ای خانوارها در ایران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار) مراجعه شود.

0/153*** (39/13)	0/222*** (15/94)	0/453*** (26/96)	0/160*** (24/30)	0/146*** (24/51)	age
-0/0119*** (-32/9)	-0/0016*** (-12/07)	-0/0039*** (-20/04)	-0/0102*** (-16/35)	-0/0117 *** (-20/64)	age2
0/998** (2/017)	0/0261 (0/148)	0/0642 (0/301)	0/151* (1/800)	0/142* (1/880)	gender
0/426*** (72/05)	0/166*** (78/25)	0/259*** (101/5)	0/442*** (44/22)	0/859*** (95/14)	num
0/861*** (39/18)	-0/135*** (-17/13)	0/185*** (19/55)	0/0507*** (13/64)	-0/362 *** (-10/79)	sch
0/264*** (5/683)	0/238 (1/435)	0/813*** (4/069)	0/124 (1/580)	0/217*** (3/062)	mari
0/326*** (12/91)	0/125*** (13/76)	0/300*** (27/58)	0/849*** (19/87)	0/422*** (10/93)	active
-0/113*** (-5/901)	-0/148*** (-21/68)	-0/172*** (-20/87)	-0/621*** (-19/21)	-0/959 *** (-32/83)	urban
0/156*** (172/6)	0/0315*** (97/43)	0/0455*** (116/9)	0/225*** (147/1)	0/173 *** (125/5)	py
0/113*** (2/980)	0/153*** (11/80)	0/999*** (6/385)	0/568*** (8/930)	1/567*** (27/96)	yara
-0/1085*** (-19/95)	-0/0219*** (-14/04)	-0/0589*** (-7/347)	-0/0192 (1/570)	-0/0216 *** (-10/30)	pric
-2/292*** (-22/29)	0/305*** (8/382)	-0/454*** (-10/21)	-3/460*** (-19/23)	-1/050 2*** (-13/01)	Constant

منبع: نتایج تحقیق معنی‌دار در سطح ۱۰٪، ۵٪ معنی‌دار در سطح ۵٪، معنی‌دار در سطح ۱٪

نتایج حاصل از این تخمین نشان می‌دهد که هر چه سن سرپرست خانوار افزایش یابد، میزان مصرف خانوار از تمام کالاها افزایش می‌یابد، و سهم گروه کالایی گوشت، میوه و سبزیجات بیش از سایر اقلام افزایش می‌یابد، اما این افزایش با نرخی کاهنده صورت می‌گیرد، جنسیت سرپرست خانوار نیز اثر مثبتی بر میزان مصرف گروه کالاها دارد، به این صورت که مردان سرپرست خانوار نسبت به زنان مصرفی بیشتری خواهند داشت، در واقع این اثر همراه با متغیر با همسر زندگی کردن نشان می‌دهند که خانوارهایی که با همسر زندگی می‌کنند، ابعاد بزرگتری نسبت به خانوارهایی که با همسر زندگی نمی‌کنند را دارند بنابراین مصرف بیشتری دارند، با توجه به اینکه غلات سهم بیشتری از مصرف خانوارها را دارد، لذا نتیجه مطالعه نیز نشان می‌دهد که هر چه بعد خانوار افزایش یابد، میزان مصرف غلات بیشتر افزایش می‌یابد، اما هر چه سطح تحصیلات سرپرست خانوارها افزایش یابد، به دلیل اینکه خانوارها درک

بهتری را از زیان مصرف روغن دارند، میزان مصرف غلات و روغن کاهش می‌یابد، اما مصرف سایر اقلام افزایش می‌یابد، و مصرف میوه و سبزیجات بیش از سایر اقلام افزایش می‌یابد. به دلیل ماهیت مشاغل در روستاها و نیاز به صرف انرژی بالاتر، شهرنشینی موجب کاهش مصرف اقلام خوراکی می‌شود، و این اثر در مورد غلات بیش از سایر اقلام است. شاغل بودن سرپرست خانوارها اثر مثبتی بر مصرف اقلام مختلف کالایی دارد، و این اثر در مورد گروه کالایی گوشت بیش از سایر موارد است، به دلیل اینکه هزینه گوشت نسبت به سایر اقلام بالاتر است، شاغل بودن سرپرست خانوارها این امکان را برای خانوارها فراهم می‌کند که مصرف خود را از گروه کالایی گوشت افزایش دهند. افزایش در سطح درآمد واقعی خانوارها باعث افزایش مصرف تمام گروه کالاها می‌شود، اما سهم گوشت بیش از سایر اقلام افزایش می‌یابد، در واقع این عوامل نشان می‌دهند که گوشت کالایی لوکس است. اثر یارانه‌ها نشان می‌دهد که در زمان بعد از اجرای یارانه‌ها، سهم غلات به طور بیشتری افزایش یافته است، در حالیکه سهم اقلام لبنیات کمتر افزایش یافته است. با افزایش قیمت، مصرف کاهش می‌یابد، اما گروه کالایی گوشت اثر معناداری از سمت قیمت مشاهده نمی‌شود. برای بررسی مستحکم بودن نتایج تحقیق از متغیر میزان یارانه‌ی ماهانه دریافتی خانوارها استفاده شده است و مدل برای دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ برآورد شده است.

جدول (۴): برآورد مدل SUR از طریق روش FGLS

(با در نظر گرفتن میزان یارانه‌ی نقدی دریافتی خانوار در دوره‌ی ۱۳۹۳-۱۳۹۰)

	نان و غلات	گوشت	لبنیات	روغن و چربیها	میوه و سبزیجات
age	۰/۱۳۳*** (۲۱/۷۵)	۰/۱۳۵*** (۱۸/۰۵)	۰/۰۳۴۱*** (۱۶/۲۳)	۰/۰۱۹۶*** (۱۴/۶۰)	۰/۱۲۲*** (۲۷/۶۸)
age2	--/۰۰۱۰۷*** (-۱۸/۵۳)	--/۰۰۰۸۵۶*** (-۱۲/۱۹)	--/۰۰۰۲۳۲*** (-۱۱/۷۲)	--/۰۰۰۱۳۸*** (-۱۰/۹۴)	-/۰۰۰۹۳۰*** (-۲۲/۴۸)
gender	۰/۱۳۴* (۱/۷۰۸)	۰/۱۶۵* (۱/۷۲۶)	--/۰۱۷۸ (-۰/۱۶۶۰)	--/۰۱۸۶ (-۱/۰۸۲)	۰/۰۶۳۶ (۱/۱۳۰)
num	۰/۱۸۵۲*** (۷۶/۸۴)	۰/۳۵۶*** (۲۶/۳۸)	۰/۲۳۸*** (۶۲/۵۸)	۰/۱۲۹*** (۵۳/۰۳)	۰/۳۸۲*** (۴۸/۱۲)
sch	--/۰۰۴۱۴*** (-۱۲/۱۵)	۰/۰۲۹۰*** (۷/۰۰۴)	۰/۰۱۲۹*** (۱۱/۰۸)	--/۰۰۰۹۴۶*** (-۱۲/۶۸)	۰/۰۶۳۵*** (۲۶/۰۴)
mari	۰/۱۹۵*** (۲/۶۲۶)	۰/۱۷۸** (۱/۹۶۶)	۰/۰۹۹۸*** (۳/۹۱۵)	۰/۰۳۹۲** (۲/۴۰۶)	۰/۲۴۷*** (۴/۶۳۵)
active	۰/۳۳۷*** (۸/۴۵۸)	۰/۷۴۸*** (۱۵/۴۱)	۰/۲۷۵*** (۲۰/۱۰)	۰/۱۱۶*** (۱۳/۲۹)	۰/۳۰۹*** (۱۰/۸۳)
urban	--/۰۰۸۵۰*** (-۲۸/۰۰)	--/۰۰۶۶۳*** (-۱۷/۹۵)	--/۰۰۱۵۴*** (-۲۳/۸۲)	--/۰۰۱۵۴*** (-۲۳/۱۵)	--/۰۰۱۷۱*** (-۷/۸۸۶)
py	۰/۰۱۷۵*** (۱۰۰/۰۰)	۰/۰۲۵۲*** (۱۱۸/۴)	۰/۰۰۵۸*** (۹۶/۸۴)	۰/۰۰۳۱۲*** (۸۱/۵۵)	۰/۰۱۸۶*** (۱۴۸/۶)
rsubs	۰/۰۱۵۱*** (۹/۹۵۰)	۰/۰۰۷۹۹*** (۴/۳۲۶)	۰/۰۰۲۹۰*** (۵/۵۲۲)	۰/۰۰۲۱۸*** (۶/۵۶۲)	۰/۰۱۱۰*** (۱۰/۰۸)
pric	--/۰۰۰۴۶۴***	--/۰۰۰۵۰۶***	--/۰۰۱۳۲***	۰/۰۰۰۴۰۰	--/۰۰۰۶۲۹***

(-۸/۹۳۲)	(۱/۲۴۷)	(-۸/۱۵۵)	(-۳/۱۶۵)	(-۶/۵۲۳)	
-۱/۷۵۷***	۰/۴۱۶***	۰/۰۳۸۷	-۲/۲۶۹***	-۰/۷۴۹***	Constant
(-۱۴/۰۱)	(۱۰/۵۳)	(۰/۶۳۵)	(-۱۰/۸۲)	(-۴/۲۸۳)	

منبع: نتایج تحقیق *معنی‌دار در سطح ۱۰٪، **معنی‌دار در سطح ۵٪، ***معنی‌دار در سطح ۱٪

نتایج حاصل از تخمین دوم که در آن به جای استفاده از متغیر مجازی تعیین کننده وضعیت پرداخت یارانه‌ی نقدی از متغیر میزان یارانه‌ی نقدی واقعی پرداختی به خانوارها استفاده شده است بیان‌گر آن است که با افزایش هر هزار ریال سوبسید واقعی، میزان مصرف واقعی از کالاهای مختلف به طور متفاوت تحت تاثیر قرار می‌گیرد، طوری که میزان مخارج واقعی برای غلات به اندازه ۰/۰۱۵ افزایش می‌یابد و برای میوه و سبزیجات به اندازه ۰/۰۱۱ افزایش می‌یابد، بنابراین هر واحد یارانه باعث شده است که خانوارها فقیرتر شوند و به سمت کالاهای ضروری حرکت نمایند. با توجه به این واقعیت که نان و غلات نسبت به لبنیات، گوشت و سبزیجات در درجه پایین‌تر از نظر کیفیت قرار دارد، و اثر یارانه باعث شده است که سهم غلات بیشتر افزایش یابد، این به معنای فقیرتر شدن خانوارها است، در واقع سهم کالاهای گوشت و لبنیات به ترتیب به اندازه ۰/۰۰۷ و ۰/۰۰۲ افزایش یافته که بسیار کمتر از ۰/۰۱۵ در بخش غلات است. بنابراین براساس نظریه انگل رفاه خانوارها کاهش یافته است، و نتایج رگرسیون و واقعیت‌های ارائه شده در مقدمه چنین بحثی را تایید می‌کند. نتایج جدول نیز نشان می‌دهد که افزایش قیمت غلات نسبت به سایر کالاها دارای کمترین اثر بر تقاضا کالای خودی دارد، در واقع این نشان می‌دهد که گروه کالایی غلات ضروری بوده و یکی از نیازهای اصلی برای خانوارها را تشکیل می‌دهد، اما سایر متغیرها دارای علامت مشابه با جدول (۴) می‌باشند، با توجه به نتایج برآوردها، برای افزایش کیفیت غذایی خانوارها و متناسب با آن افزایش بهره‌وری، نیاز به ایجاد فرصت‌های شغلی و متناسب با آن افزایش درآمدها است.

۵- نتیجه‌گیری

یکی از مشکلات اصلی برای اقتصاد کشور در سال‌های اخیر، برخورداری ناعادلانه دهک‌های مختلف درآمدی از یارانه اعطا شده دولت بود. لذا جهت عادلانه نمودن سهم برخورداری دهک‌های مختلف درآمدی از یارانه‌ی تخصیص داده شده به بخش انرژی و برخی کالاهای اساسی مشمول یارانه، قانون هدفمندی یارانه در سال ۱۳۸۹ اجرایی گردید. در قالب این قانون به هر نفر، فارغ از سطح درآمد و ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی، ماهانه ۴۵۵ هزار ریال یارانه‌ی نقدی پرداخت و قیمت حامل‌های انرژی و نان آزاد گردید. باور سیاست‌گذاران بر این اساس بود که اجرای این طرح از یک طرف مصرف حامل‌های انرژی را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر با افزایش سهم خانوارهای فقیر از یارانه‌ها رفاه متوسط خانوارها افزایش می‌یابد، طوری که سبد مصرفی خانوارها نسبت به قبل دارای کیفیت بالاتری خواهد شد. مطالعه حاضر با توجه به داده‌های موجود در سطح خرد خانوار در بازه زمانی سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ به بررسی اثر هدفمندی یارانه‌ها بر الگوی مصرفی خانوارها می‌پردازد. با توجه به اهمیت بالای مصارف خوراکی و غذایی در سبد هزینه‌ای خانوارهای کشور، مطالعه‌ی حاضر، تغییرات رفتار مصرفی خانوارها در مورد این گروه

کالایی را به طور خاص، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. با تعمیم دادن تئوری انگل می‌توان بیان نمود، هر چه نسبت مخارج کالاهای خوراکی ضروری‌تر از کل مصرف خوراک خانوار کاهش یابد، وضعیت معیشتی خانوار بهبود می‌یابد. نتایج حاصل از تخمین با به‌کارگیری تکنیک رگرسیون‌های به ظاهر نامرتبط نشان می‌دهد که بعد از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها سهم گروه غلات که ضروری‌ترین نیاز غذایی خانوارها است از کل مخارج خوراکی آنان افزایش یافته است، به همین دلیل بیشتر خانوارها بر برآورده کردن نیازهای ابتدایی و ضروری غذایی خود تمرکز نموده‌اند و سهم مخارج خوراکی که در سبد خانوار، جنبه‌ی لوکس دارند، تقلیل یافته است. در واقع الگوی مصرف خانوارها به سمت کالاهای دارای کیفیت پایین‌ترش دارند و بنابراین رفاه خانوارها کاهش یافته است.

منابع

- احمدی، سید مهدی، پژویان، جمشید و غلامی، الهام (۱۳۹۳). هدفمند کردن قیمت حامل‌های انرژی و رفتار مصرفی خانوارهای شهری، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، شماره (۲۷) ۳: ۱۵-۱.
- اسلامی، محمدرضا، باغستانی، علی‌اکبر و شرافتمند، حبیبه (۱۳۹۰). بررسی تاثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر مصرف گوشت، *همایش منطقه‌ای جهاد اقتصادی*، رهیافت‌ها و راهبردها.
- اعظمی، حسین، جمالی‌پور، محسن، بابانیا، سپیده و قربانی، محمد (۱۳۹۲). اثر هدفمندسازی یارانه‌ها بر مصرف لبنیات در سطح خانوارها (مطالعه موردی شهر مشهد). *نهمین کنفرانس دوسالانه‌ی اقتصاد کشاورزی ایران*.
- حسینی‌پور، سید محمدرضا، یزدانی، سعید و زراعت کیش، سید یعقوب (۱۳۸۸). کاربرد مدل رتردام در تخمین توابع تقاضای گوشت در مناطق شهری و روستایی ایران، *ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*.
- خرمی مقدم، سیمین، زارع، محمدرضا، مهرابی، حسین و بخشوده، محمد (۱۳۸۹). تحلیل الگوی مصرفی کالاهای مشمول یارانه: کاربرد سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل درجه ۲. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی*، ۶(۴): ۷۲-۵۵.
- خسروی‌نژاد، علی اکبر (۱۳۸۸). اندازه‌گیری اثرات رفاهی حذف یارانه کالاهای اساسی بر خانوارهای شهری ایران، *پژوهشنامه بازرگانی*، ۱۳(۵۰): ۳۱-۱.
- رضایی قهرودی، زهرا و باغ‌فلکی، تابان (۱۳۹۲). بررسی تأثیر هدفمندکردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها، *پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران*.
- سهیلی، کیومرث، سحاب خدامرادی، مرتضی، منیری، محمدرضا و گلی، یونس (۱۳۹۶). اثر هدفمندسازی یارانه‌ها بر ترکیب هزینه‌ای خانوارها در ایران، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی* (رشد و توسعه پایدار)، ۱۷(۳): ۱۲۹-۱۰۱.
- Farajzadeh, Z. and Bakhshoodeh, M. (2015). **Economic and Environmental Analyses of Iranian Energy Subsidy Reform using Computable General Equilibrium (CGE) Model.** *Energy for Sustainable Development*, 27: 147-154.
- Freund, C., & Wallich, C. (1997). **Public-sector price reforms in transition economies: Who gains? Who loses? The case of household energy prices in Poland.** *Economic development and cultural change*, 46(1), 35-59.

- Gharibnavaz, M.R. & Waschik, R. (2015). **Food and Energy Subsidy Reforms in Iran: A General Equilibrium Analysis.** *Journal of Policy Modeling*, 37: 726-741.
- Korayem, K. (2013). **Food Subsidy and the Social Assistance Program in Egypt; Targeting and Efficiency Assessment.** *Topics in Middle Eastern and North African Economies*, 15.
- Moshiri, S. (2015). **The Effects of the Energy Price Reform on Households Consumption in Iran,** *Energy Policy*, 79: 177-188.
- Wood, B., Nelson, C., & Nogueira, L. (2009). **Food price crisis: welfare impact on Mexican households.** In *International agricultural trade research consortium analytic symposium, Seattle, Washington* (pp. 22-23).